



نگارش : فاتح سامع

23 می 2021

« بخش دوم « منم تیمور جهانگشای»

## چپاولگران دیروز با ویرانگران امروز چه تفاوت دارند؟

### نگاهی به تاریخ فشرده تیمور لنگ - داستان چپاول، کشتار ویرانی و تجاوز

تیمور اسقف سلطانی را نزد پادشاه فرنگ برای قرارداد کشتی ها فرستاده بود.

خاطرات اسقف سلطانی در مورد امیر تیمور بطور مختصر نوشته شده و در کتابخانه ملی پاریس موجود است. تیمور اسقف سلطانی را قبل از اینکه در روم ببیند در سلطانیه ملاقات کرده بود و پیش از اینکه او را به سفارت بفرستد با او آشنایی داشت. اسقف در مورد تیمور می نویسد:

"اسم او تیمور بیگ است. تیمور یعنی آهن و بیگ یعنی امیر که دشمنانش او را به اسم تیمور لنگ می نامند. در ایران او را میر اتابا می خوانند که به معنی فرمانروا می باشد. تیمور پسران زیاد داشت و حالا دوپسر دارد.

1- میران شاه چهل سال دارد و چهار زن و چهار پسر دارد هر کدام از پسران او ۲۰ تا ۳۰ هزار سرباز دارند.

2- نهری (شاهرخ)، و باقی پسران امیر تیمور یا در جنگو یا به اثر بیماری درگذشتند. همه نوه ها از پدر بزرگ خود می ترسیدند. تیمور با وجود سالخوردگی بسیار قوی بود و هر گز از راه پیمایی و سفر در بیابان ها و دشت و صحرا خسته نه می شد. در جوانی خیلی زیبا بود. ثروت تیمور به حدی بود که می توانست روی زمین را با سکه های طلا فرش کند. روز هزار سکه طلا خرچ آشپز خانه و شرابخانه خصوصی او می شد. در قلمرو وسیع حکومت او امنیت کامل برقرار بود. اگر کاروانی در یکی از ساحات زیر حاکمیت او حرکت می کرد و مورد دستبرد قرار می گرفت، حاکم آن ناحیه را تیمور به قتل می رسانید. در تمام جنگها فاتح شده و هیچ قلعه جنگی و قشون رزمی در مقابل او مقاومت نتوانست. جهان مرد بی رحم تر از او ندیده است. اگر در مقابل چشمان او صد هزار مرد و زن و کودک را هلاک بسازند کوچکترین تاثیر در او نه می کند و بسا اتفاق افتاده که تمام ساکنین شهر را تا آخرین کودک شیر خوار به قتل رسانیده نه بر زنها و نه به پیر مردان صد ساله تر رحم نموده است. حتی خودمی گوید هنگامیکه با شمشیر سر را از تنه جدا می کنم از دیدن فواره خون از جای سر بریده، لذت می برم. (یک بیمار روانی و سادیست خونخوار بود). او در ظاهر به

احکام‌دین اسلام پابند بود. در شبانه روز پنج بار نماز می خواند . در ماه رمضان روزه می گرفت. (مانند بسیاری از تیکه داران و معاملگران در افغانستان امروز از دین اسلام استفاده ابزاری می کرد.) من هر گز ندیده ام که شراب بنوشد ، اما شنیده ام که در خفا یگان باده گذاری می کند . زبان های عربی فارسی و ترکی را می داند . در علم قرآن و فقه آنقدر قوی است که هیچ عالم اسلامی نمی تواند با او مباحثه نماید. در میدان جنگ جوشن می پوشد و مانند سربازان خود داخل جنگ می شود و از مرگ بیم ندارد . چندین بار زخمی و مجروح شده و تا سرحد مرگ رفته ، با آنهم ترس نه دارد و در جنگ‌ها شرکت می کند . در نظر او مرتبت و مقام افراد اهمیت ندارد . طوری فرمان سر بریدن و شکم پاره کردن بررگترین افراد را صادر می کند که پنداری از کوچکترین غلامان اند . تیمور به صنعتگران ، علما و شعرا احترام دارد قدر آن ها را محترمی شمارد به دلیل آنکه خود او از دانشمندان است (دانشمندی او در چه بود؟ معلوم نیست) . از وقتی که من تیمور را دیده ام همیشه در صحرا می باشد و در خیمه می خوابد و تصور نمی کند که همیشه در صحرا به سر می برد به خاطری که شماره افراد قشون او به اندازه زیاد است که نه می توانند در هیچ شهر سکونت نمایند . تیمور در زمین می نشیند ، در زمین می خوابد . سفره را در خیمه می گستراند در بالای سفره می نشیند ، پسران نوحه ها و سرداران او در هنگام صرف غذا بدون خطاب تیمور ساکت می باشند و اجازه صحبت کردن ندارند.

انضباط در ارتش تیمور به حدی جدی است که اگر یکی از سربازان او مرتکب خطایی شود با خنجر شاه‌رگ خود را قطع می کند و خود کشتی می کند ، پیش از اینکه تیمور او را به کیفر اعمالش برساند. هنگامی که تیمور امر چپاول و قتل ساکنین شهر را صادر می کند پرچم سیاه در شهر افراشته می شود . در شهری که پرچم سیاه تیمور افراشته شود از صفحه ای روزگار نابود می گردد. وقتی تیمور شهری را که بین انگوری و ارمنستان قرار داشت محاصره کرد و بر آن غلبه کرد تمام ساکنین شهر راه در چاه ها انداخته و اجساد زنده در چاه ها را با خاک پر میکرد . اما شهر هایی که بدون مقاومت تسلیم می شدند ، مال و جان و ناموس شان محفوظ می ماند. تیمور از راز ساختن باروت مستحضر بود و در تمام جنگها مقداری از مواد خام را برای ساختن باروت با خود حمل می کرد . استفاده از باروت بزرگترین راز پیروزی تیمور در جنگ هاست که مقتدر ترین مرد جهان شد . من گمان نه می کنم که در جهان از تیمور مرد بی رحم تر آمده باشد و شاید هم هر گز نیاید.

وقتی شهر دمشق را محاصره کرد ، به سکنه شهر پیام فرستاد که تسلیم شوند و دروازه ها شهر را برای قشون اش باز کنند . قوتل حمزه حکمران دمشق ، با وجود عراده های بزرگ ، نتوانست تیمور بیگ را از پیرامون شهر رد نماید . در قلمرو زیر فرمان تیمور امنیت کامل برقرار بود . اگر در آن شهر سربازی بر یک زن تعرض نماید و یا مالی کسی را بگیرد آن سرباز و یا افسر مستقیم به امر تیمور به قتل می رسد . تیمور سکنه شهر دمشق را قتل عام کرد به جز علما ، شعرا و صنعتگران کسی را زنده نگذاشت . دوهزار شتر زر و پارچه ها و فرش های قیمتی را به وطن خود ماورالنهر فرستاد. این مرد خونخوار یک کانگره ای بزرگ از علمای اسلامی تشکیل داد تا راجع به قرآن بحث کنند.

در طول زندگی تیمور تنها کسی که توانست تیمور بیگ را فریب بدهد بدون آنکه مجازات شود، اوردک بیگ یا ایدز بیگ ، پادشاه تاتارستان بود. این محل امروز به نام شبه جزیره کریمیا در جنوب روسیه موقعیت دارد.

تیمور می خواست دختر ایدبیگ را برای پسر خود بگیرد. ایلچی را برای خواستاری نزد او فرستاد. از او خواستگاری کرد. ایدبیگ گفت ، من حاضرم دختر خود را بدهم اما ثروت ندارم که جهیزیه

متناسب و شایسته شان امیر بپردازم و این باعث سر شکستگی و آبرو ریزی من می شود. امیر تیمور در جواب گفت: جهیزیه را من تهییه می کنم برایت می فرستم تا با دخترتانرا با آن جهیزیه پس به ماورالنهر بیاورند و مردم تصور بکنند که جهیزیه از طرف شما فراهم شده و آبرویت محفوظ بماند. تیمور بیگ ۲۵ شتر را از زرو سیم، جواهرات، پارچه های زر بفت و شال های کشمیری بار کرد و هشت تن از افسران برجسته خود را مامور نمود تا آن را به سوداک پایتخت کشور تاتارستان انتقال بدهند. پادشاه تاتارستان همه جهیزیه را ضبط کرد افسران را زندانی نموده دخترش را نداد و تیمور نتوانست بارها را پس بگیرد.

شکوه دربار تیمور را هیچ پادشاه نداشت. یکی از چیزهایی که شکوه دربار او را زیاد می کرد. گروگان ها از دربار امیران و پادشاهان خراج گذار او بود. برای اینکه امیران خراجگذار او شورش و طغیان نکنند، پسران و برادران جوان شان را در دربار خود جای می داد و هر کدام شان یک دربار کوچک می داشتند. از تمام قلمرو های زیر سلطنت تیمور امرا و سلاطین ده در صد عواید خود را به تیمور می پرداختند که مستمری قشون او می شد. اگر تیمور اطلاع می گرفت که سرباز و افسر او از دکانداری و یا کسی چیز مفت گرفته و پول آنرا نپرداخته به قتل می رسید.

تیمور خوش داشت در ظروف بلورین آب بنوشد، اعتدال را در صرف غذا رعایت می کند و در غذای خود زعفران می ریزد. هیچ پزشکی نتوانست لنگی او را علاج کند زیرا عصب پایش قطع شده بود. تیمور به حدی حافظه قوی داشت که اگر از صبح تا شام دستور و اوامر صادر می کرد می دانست که برای کی کدام دستور را داده است. اگر کارمندی دستور او را قبول می کرد و در موقع معین انجام نمی داد، به قتل می رسید. دو معمار گوشه از اعمار، را در شهر به موقع معین انجام نداده بودند برای اكمال آن از امیر برای دو ماه مهلت خواستند، اما تیمور قبول نکرد هر دورا به قتل رسانید و دو معمار دیگر را برای اكمال آن کار توظیف نمود. تیمور قبل از شرکت در جنگ جانشین خود را تعیین می کرد که در صورت مرگ او قشون را هدایت کند. او چندین بار زخم های مهلک برداشت، از میدان جنگ بیرون ساخته شد تا در زیر سم ستوران هلاک نشود. بر حسب تصادف، جنگ او را در هندستان دیدم که پنجصد نفر از فدائیان او بر مرکز هندستان حمله کردند، باید اعتراف کنم که این مرد از مدبران روزگار بود. تیمور در زمستان کلاه نمدی سپید و در تابستان کلاه ابریشمی استر دار می پوشید که با چند قطعه الماس سفید و قرمز مزین است. تیمور اسپ های گران بها را دوست داشت و هر کس به خیمه او نزدیک می شد بوی اسپها را از دور استشمام می کرد.

کسانیکه به دربار تیمور مشرف می شدند به زمین سجده می کردند. او این عرف را منع کرد و گفت، جز به خداوند سجده به کسی دیگر جایز نیست. پس از آن سفرای که در دربار او می آمدند زانو می زدند و دست به سینه می گرفتند، ادای احترام می کردند. در خیمه بالای زمین می نشست و غذا می خورد. خیمه او در زمانیکه جنگ نه می بود با پارچه های ارغوانی زربفت مزین بود و در بالای تکه های زیبای ابریشمی افراشته می بود که از دور منظره زیبا داشت و فرش های نفیس در داخل خیمه او فرش بود.

پادشاه کاستیل (هسپانیا) در سال ۱۴۰۳ میلادی دو سال قبل از مرگ تیمور سفیر خود را با هدایای گرانبها نزد تیمور فرستاد. تبادل هدایا هر دو طرف مورد استقبال جالبین قرار گرفت. تیمور از سفرای پادشاه هسپانیا با شکوه استقبال کرد یک هفته هر روز در یکی از کاخ های مختلف شهر کشک که با زیبایی بی نظیر اعمار کرده بود، محفل ضیافت با تزئین فیل ها، اسپ ها با براق مرصع و پارچه های ابریشمی نفیس و ملون بر گزار می شد. در یک روز غذای یک سال هیأت سفارت تهییه می شد. (در حالیکه ممکن صد ها نفر از اتباع کشور نان بخور و نمیر نداشتند) غذا

ها در ظروف طلائی با مشروبات گوناگون و دوغ مادیان صرف می شد. هر روز مهمانی با تشریفات بهتر از روز قبل بر پا می شد. در ضیافت که ترتیب داده بود دو صد گوسپند و کره اسپ را به افتخار سفیر مذکور ذبح و بریان نموده بود. در شکم های پاک شده کره های بریان شده سبزی های معطر می ریزند و نزد هیات سفارت می گذاشتند. سفر از قدرت، ثروت و سخاوت امیر تیمور به حیرت بودند.

تیمور به امیران پادشاهان زمان خود دعوت نامه فرستاد تا از شهر کشک دیدن کنند، اما پادشاه چین برایش نوشت که امیر تیمور در موقی قرار ندارد که از پادشاه دولت معظم چین دعوت بکند و باید حد و مرز خود را بشناسد.

تیمور در مقابل اهانت پادشاه چین برای جنگ با او آماده شد و براه افتاد. اما همانطوریکه خواب دیده بود و تعبیر خواب خود را مرگ، ذکر کرده بود دچار سر شکستگی شد. پس از هفت روز در بستر بیماری زندگی را پدروود گفت، جسدش را به سمرقند در قبری که قبلاً برای خود ساخته بود، به خاک سپردند.

**آیا تیمور از اولاده چنگیز است؟** این که آیا تیمور از نسل چنگیزخان است مورد اختلاف تاریخ دانان است. خود تیمور نسب خود را به چنگیزخان مغول رسانیده و نسب نامه او روی سنگ قبرش در سمرقند نوشته شده است. درباره این نسب نامه مورخان نظریات گوناگونی ذکر کرده اند.

عده ای میگویند او از نسل چنگیز نیست و نسب نامه ای هم که روی قبرش است جعلی است اما خود وی همانطور که گفته شد با سماجت و افتخار فراوان خود را از نسل چنگیزخان (یکی دیگر از کشور کشایان خونخوار و ویرانگر و مستبدین تاریخ) میدانست و مباحثات می کرد و از قرآن و اسلام سخن می گفت.

از جمله تاریخ نویسانی که تیمور را از نسل چنگیزخان دانسته اند نظام الدین شامی است. این مرد دانشمند که از بزرگترین فقهای اسلامی بوده و اهل تبریز است از ملازمان نزدیک تیمور بوده (او هرگز نه می توانست تیمور را تکذیب بکند). او در آغاز تاریخی که درباره فتوحات تیمور نوشته و آنرا (ظفرنامه) نام نهاده تیمور را از نسل جغتای یکی از چهار پسر چنگیز میدانند. او اسامی نسل به نسل و پشت به پشت افرادی را که از نسل چهار پسر چنگیز در جهان حکومت کردند را در تاریخ خود ذکر میکند.

ابن عربشاه نیز تیمور را از نسل چنگیز میدانند و مینویسد که در تاریخی پارسی نوشته شده که نسب تیمور را از طرف زنان به چنگیز رسانده اند.

**هرچه که هست این است که تیمور از نسل هرکسی که باشد مهم این است که او نام نیکو از خود به یادگار گذاشت و امروزه نام تیمور لنگ ما را به یاد خون و خونریزی می اندازد.**

تیمور از جمله کشور گشایانی است که در هند به انتقام قتل پسر خود و در اصفهان کله منار ساخت و قرار معلوم اولاده تیمور در تمدن سازی نقش را بازی کردند. اما برخی از کشور کشایان مانند احمد شاه درانی (ملتانی) پس از قتل و چپاول ویرانی و تجاوزات وحشیانه در هند نه تنها سرزمین های مفتوحه را به یکی از متنفذین هندی تسلیم می کرد و غنایم و زردی های خود را در میان اقوام و گروه های مسکون در شهر قندهار تقسیم می کرد بلکه هیچ تمدن و شهری را آباد نکرد و بازماندگان اش در جنگ برای تصاحب قدرت به تحریک و حمایت اجانب به خصوص انگلیس در طی دو صد سال

کشور را از جمله ای عقب مانده ترین کشور های جهان نگهداشتند و در زمان لشکر کشی در هند هم هندستان را تضعیف کرد و هم زمینه اشغال و استعمار انگلیس را مساعد ساخت.

سلطان محمود غزنوی یکی دیگر از کشور کشایان بزرگترین تمدن را در منطقه وسیع خراسان و آسیا به وجود آورد . اما ناگفته نماند که او و تمام کشور کشایان به جز خونریزی و قتل ویرانگری به نام دین و مذهب و عقیده گله های مردم را با تخویف تهدید و تطمیع در عقب خویش کشانیدند و بر کتله وسیع مردم عام جفا و ظلم روا داشتند.

امروز قدرت های استعماری زیر نامحقوق بشر و مبارزه علیه تروریزم کامپنی های غارتگر چندین ملیتی و کشور های بزرگ مانند امریکا و شرکا بدتر از کشور کشایان دیروز وحشی گری و ددمنشی و ویرانی را در سر تاسر جهان برآوردند که قتل ویرانگری آنها در فلسطین ، عراق ، یمن ، لیبیا ، سوریه ، افغانستان شاهد مدعاست . البته صفحات تاریخ از داستان خونریزی استعمار گران و دکتاتور ها در سه صد سال مملو است . کشتار سرخ پوست های امریکا ، بومی های استرالیا ، و مردم فلسطین بدست صیهونست ها ادامه همان کشور کشایی ها است . تاریخ معاصر ظلم و بی رحمی ، کشتار و خونریزی استالین ، هتلر ، پالپوت را به ادامه آدمکشان در کشور های مختلف تا کنون تجربه می کنند.